

زندگینامه زنده‌یاد استاد کریم ساعی بنیان‌گذار علوم منابع طبیعی و تشکیلات جنگل‌بانی در ایران و حید اعتماد*

* دانشیار، گروه جنگل‌داری، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، تهران، ایران
پست الکترونیک: vetemad@ut.ac.ir



◀ در تاریخ پرفراز و نشیب کشورمان مردان بزرگی پا به عرصه وجود نهاده‌اند که خدمات گهربارشان نه تنها در مدت حیات آنها بلکه در سال‌های پس از نبودشان نیز همواره چراغ راه رهروانشان بوده است. استاد کریم ساعی، بنیان‌گذار علوم نوین منابع طبیعی و تشکیلات جنگل‌بانی در ایران یکی از نوابغ و نوادر عصر ما به حساب می‌آید که پس از گذشت بیش از شش دهه، هنوز نظرات و کتاب‌هایش مورد استفاده اهل قلم علوم جنگل و منابع طبیعی قرار می‌گیرد و از نظراتش در کارهای اجرایی و علمی بهره می‌برند.

در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی مصادف با ۱۹۱۰ میلادی هنوز چند سالی از انقلاب مشروطه ایران نگذشته بود که در شهر مقدس مشهد در خانواده‌ای متدین فرزندی پا به عرصه وجود گذاشت که پدرش نام وی را کریم نهاد. پدر ایشان در شهر مشهد به شغل تجارت سنگ‌های قیمتی از جمله فیروزه اشتغال داشت و با بازرگانان ممالک آسیایی و روسیه به دادوستد مشغول بود. میرزا علی‌اکبر با فاضله‌خانمی به نام امیرجان ازدواج کرد که حاصل زندگی مشترک آنان دو فرزند به نام‌های کریم و مهدیه بود. پدر کریم به لحاظ مقتضیات حرفه‌ای که بدان مشغول بود به دفعات در سفر و حضر بود و در آخرین باری که فرزندش هفت ساله بود به قصد تجارت راهی دیار آذربایجان و باکو شد و در جریان تظاهرات و آشوب‌های انقلاب بلشویکی آن زمان صدمه دید و هرگز از این مسافرت برنگشت. از این زمان به بعد کریم ساعی تحت سرپرستی پدر بزرگ خود که از بازاریان معروف مشهد به حساب می‌آمد بزرگ شد. انتظار برای آمدن پدر بی‌ثمر بود و امیدها به نومییدی ختم شد و سرانجام همه از مراجعت وی قطع امید کردند. از این پس کریم با توجه به جو سیاسی - اجتماعی آن زمان که قدرت دولت‌های قاجاریه رو به

مدرسه فلاحت در سال ۱۲۷۹ شمسی در زمان مظفرالدین شاه به نام مدرسه فلاحت مظفری با همت وزیر امور خارجه ایران، میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تأسیس می‌شود. برای تدریس و انجام تعلیمات کشاورزی فردی به نام مهندس دانشر از کشور بلژیک که دارای مدرک لیسانس کشاورزی بود استخدام دولت ایران شده و مدیریت مدرسه و تدریس در آن به وی واگذار می‌شود. اولین مدرسه کشاورزی پس از شش سال فعالیت

افول بود خود را برای مشکلات بزرگی که روزگار برای او رقم زده بود آماده می‌کرد. وی فردی حساس بود و رنج بی‌پدری را از همه پنهان می‌کرد؛ دردها را در قلب خود فرو می‌ریخت و شتاب‌آلود به سوی آینده می‌شتافت.

بررسی زندگی مردی که بانی تشکیلات جنگل‌بانی و بنیان‌گذار علوم منابع طبیعی کشور بوده و دامنه افکار و آثار اقداماتش به زمان حاضر و حتی آینده نیز می‌رسد نیازمند بازگویی شرایط



کریم و مهدیه ساعی



میرزاعلی اکبر، پدر مهندس ساعی (سمت راست)

به دلیل ضعف مالی دولت در سال ۱۲۸۵ شمسی تعطیل شده و مهندس دانشر به کشور خود برمی‌گردد. این مدرسه شبانه‌روزی در جنوب تهران و در قریه دودانگه قرار داشت. شرایط شرکت در این مدرسه نیز آشنایی با زبان خارجی و داشتن سنی بیشتر از پانزده سال بود. دوره تحصیل در این مدرسه سه ساله بوده و علاوه بر دانش کشاورزی، زبان فرانسه، عربی و جغرافیا نیز تدریس می‌شد. ایجاد چنین مدرسه‌ای در آن زمان توانسته بود اثرات بسیار مثبتی در ترویج آموزش علمی و عملی کشاورزی روزگار خود بگذارد و به همین سبب آوازه و شهرت آن تا شهرهای دور و نزدیک از جمله خراسان هم رسیده بود. قبل از تولد کریم ساعی و طی تغییر و تحولات وزارتخانه‌های کشور در نخستین کابینه مجلس شورای ملی وزارتخانه فلاحت، تجارت و فوآند عامه ایجاد و در آن وزارتخانه، اداره‌ای به نام اداره شوسه، راه آهن و جنگل‌ها تأسیس شد. همچنین فردی به نام مهندس الممالک به عنوان وزیر معرفی شد. خوشبختانه چهار سال بعد در سال ۱۲۸۸ شمسی بعد از به توپ بستن مجلس همین فرد به سمت وزیر طرق، شوارع، معادن و جنگل‌ها می‌رسد.

اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دورانی است که در آن متولد شده، با آنها بزرگ شده و زمینه رشد وی را فراهم کرده است. به همین خاطر کمی به عقب برمی‌گردیم تا اقداماتی که استاد ساعی در عصر خود انجام داده بهتر درک شود.

در زمان پادشاهی فتحعلی شاه قاجار به سبک کشورهای اروپایی چهار وزارتخانه برای رتق وفتق امور کشور ایجاد شد که یکی از آنها وزارت فوآند عامه بود. سال‌های بعد تعداد این وزارتخانه‌ها به ۶ و سپس به ۹ وزارتخانه رسید که از جمله می‌توان به وزارت معارف و فلاحت و تجارت در سال ۱۲۵۰ شمسی اشاره کرد. این وزارتخانه‌ها پس از بازگشت ناصرالدین شاه از اروپا به ۶ وزارتخانه تقلیل داده شد و سپس برحسب ضرورت و پویایی جامعه به ۱۳ وزارتخانه افزایش یافت. بیست سال قبل از اینکه وزارت معارف تأسیس شود در سال ۱۲۳۰ شمسی بنا به ضرورت زمان و به تدبیر و همت بلند میرزا تقی خان امیرکبیر مدرسه دارالفنون افتتاح و به دنبال آن به تدریج مدارس دیگری برای اعتلای فرهنگ و علوم در کشور تأسیس شد. ده سال قبل از اینکه استاد کریم ساعی به دنیا بیاید اولین



ایجاد چنین اداره‌ای در آن زمان نخستین نشانه‌های توجه دولتمردان به اهمیت و ارزش جنگل‌ها به‌عنوان یک سیستم پشتیبان حیاتی، حفاظتی و اقتصادی محسوب می‌شود. در سال ۱۲۹۶ شمسی هنگامی که کریم ساعی به سن هفت سالگی رسید و وارد کلاس اول دبستان شد بعد از یازده سال تعطیلی مدرسه فلاحت مظفری، مدرسه‌ای دیگر به‌همت مرحوم حسین علا، وزیر فلاحت، تجارت و فوائد عامه تأسیس شد. در همین تاریخ با پشتیبانی و همت ایشان و مدیریت استاد سعید نفیسی، استاد ادبیات، مجله‌ای به‌نام فلاحت و تجارت منتشر شد که ماهی دو بار به چاپ می‌رسید. حسین علا با دیدن و خواندن این مجله خوشحال شده و استاد نفیسی را به مدیریت اداره فلاحت منصوب کرد. استاد نفیسی به مدت دو سال در این سمت بود و مجله



پدر مهندس ساعی

بعد از یک سال و نیم بعد از کناره‌گیری ایشان منتشر شده و در مجموع ۷۷ شماره از آن منتشر شد. انتشار این مجله نقش بسیار مهمی در بالا بردن دانش کشاورزی مردم آن زمان داشت. مرحوم علا چون به اهمیت کشاورزی آگاه بود در وزارتخانه مربوطه شورای فلاحتی تشکیل داد. اعضای این شورا تصمیم گرفتند یک باب مدرسه عالی فلاحت در شهر تهران یا شهرهای اطراف و یک باب مدرسه عملی فلاحت در یکی از روستاهای اطراف تهران تأسیس کنند. تأسیس مدرسه عالی فلاحت به دلیل نبود معلمان متخصص و امکانات مالی میسر نشد اما مدرسه عملی فلاحت در سال ۱۲۹۶ شمسی با نام دبستان برزگران کرج در باغ فلاحتی و اراضی زراعتی قصر قاجاریه و توابع

آن (باغ سلیمانیه) تأسیس شد. این باغ را حاج محمدحسین خان صدراعظم اصفهانی، مستوفی الممالک و صدراعظم فتحعلی شاه برای داماد خود سلیمان میرزا پسر فتحعلی شاه ساخته بود. دوره تحصیل در این دبستان یک سال در نظر گرفته شده بود. همچنین سن دانش‌آموزان نباید از پانزده سال کمتر بوده و متقاضی باید بنیه‌ای قوی داشت. چند سال قبل از تأسیس این مدرسه کارشناسی از کشور اتریش به‌نام هانس شریکر به استخدام دولت درآمده بود و مدیریت فنی این مدرسه را به‌عهده ایشان گذاشتند. از نکات مهمی که در مواد درسی این دبستان به‌چشم می‌خورد تدریس درسی با عنوان تربیت جنگل‌ها به‌طور عموم و کائات و جو است که شاید بی‌ارتباط با حضور هانس شریکر به‌عنوان کارشناس جنگل که بعدها به استخدام جنگلبانی ایران درآمد، نبود. در سال ۱۲۹۶ شمسی به‌موجب تصویب‌نامه هیئت وزیران در تشکیلات وزارت فلاحت، تجارت و فوائد عامه یک دایره وزارت، اداره کابینه و پرسنل و دو اداره‌کل فوائد عامه و فلاحت ایجاد شد. اداره‌کل فوائد عامه به امور راه، راه‌آهن و شوسه اختصاص داشت ولی اداره‌کل فلاحت به سه شعبه تجارت، فلاحت و جنگل تقسیم شده و برای اولین بار مدیریت جنگل‌ها دارای اداره‌ای مستقل شد. در اواخر سال ۱۲۹۶ شمسی، هانس شریکر از مدیریت مدرسه برزگران تغییر پست داد و به اداره‌کل فلاحت منتقل شد تا در شعبه جنگل مشغول به‌کار شود. در سال ۱۲۹۷ شمسی از سوی ریاست شعبه جنگل یک نفر نقشه‌بردار به‌نام آقای احمدی به‌همراه دو نفر دیگر برای تفکیک جنگل‌های دولتی از خصوصی عازم شمال شدند که به‌دلیل مزاحمت‌ها و مخالفت‌هایی که از سوی مالکان خصوصی جنگل‌ها با این گروه اعزامی صورت گرفت و همچنین مصادف شدن این اقدام با قیام میرزا کوچک‌خان جنگلی بدون نتیجه به تهران بازگشتند. در سال ۱۲۹۹ شمسی از سوی مدیر شعبه جنگل وزارت فلاحت، تجارت و فوائد عامه اداره‌ای ابتدایی در شمال ایران به‌منظور نقشه‌برداری و تفکیک اراضی جنگلی خصوصی و دولتی و تعیین جنگل‌های مخروبه و بکر تأسیس شد. در ابتدا این اداره جایگاه مستقلی نداشت اما بعدها در سال ۱۳۰۲ شمسی در شهر بابل فعلی که قبلاً مشهدسر نامیده می‌شد اداره مذکور افتتاح شد و مدیریت آن را به هانس شریکر که از قبل با این اداره همکاری داشت واگذار کردند. در این زمان بازرگانان روسی و یونانی براساس قراردادهایی که با دولت ایران منعقد شده بود مشغول تجارت و غارت چوب‌های ایران از جمله گونه‌های شمشاد، بلوط، راش و ملج بودند. همپای این تحولات در تشکیلات اداری کشور و به‌وجود آمدن اداره‌ای مستقل برای جنگل‌ها در بعد امور آموزش کشاورزی نیز تغییر و تحولاتی روی داد و اولین دانش‌آموختگان مدرسه برزگران در سال ۱۲۹۹ شمسی فارغ التحصیل شدند. این مدرسه در سال ۱۳۰۰ شمسی از وزارت فوائد عامه جدا شده و به وزارت خالصجات پیوست و به تهران منتقل شد. اما مدتی بعد متأسفانه به‌دلیل نداشتن معلم و نواقص

دیگر منحل شد. در همین زمان مدرسه ابتدایی فلاحتی دیگری در پارک امین‌الدوله در جنوب تهران تأسیس شد و شاگردانی که به آن راه یافتند دارای گواهینامه تحصیلی ابتدایی بودند. ریاست این مدرسه در ابتدا به سرتیپ موسی خان وزیری و بعدها در سال ۱۳۰۱ شمسی به میرزا محمودخان فاتح که از کشور فرانسه فارغ‌التحصیل شده بود واگذار شد. مدت تحصیل در این مدرسه یک سال بود که شش ماه آن صرف آموزش‌های نظری شده و بقیه به کارهای عملی پرداخته می‌شد. در سال ۱۳۰۲ شمسی تعدادی از مستشاران آمریکایی به ایران دعوت شدند که با کمک آنان مدرسه ابتدایی فلاحتی به مدرسه متوسطه فلاحتی و صنایع روستایی ارتقا یافت و دانش‌آموزانی که دارای مدرک سیکل یا بالاتر بودند، در آن پذیرش می‌شدند. دوره تحصیلی در این مدرسه سه سال در نظر گرفته شده بود؛ به این صورت که دو سال آن در تهران، کلاس‌های نظری بود و دانش‌آموزان یک سال را نیز در کرج به دوره عملی آموزش کشاورزی مشغول می‌شدند. مدرسه متوسطه فلاحتی سه دوره فعالیت کرد و پس از آن منحل شده و همه اموال آن به کرج منتقل شد. در سال ۱۳۰۶ شمسی مدرسه عالی فلاحت در کرج تأسیس و شروع به کار کرد. این مدرسه به صورت رسمی در سال ۱۳۰۹ شمسی با حضور رضاشاه، تیمورتاش وزیر دربار و مصطفی قلی بیات افتتاح شد.

برنامه‌نویسی اولین مدرسه عالی فلاحت در کرج توسط احمد حسین عدل و محمود فاتح با کمک و همکاری مصطفی قلی بیات که به‌عنوان بانیان کشاورزی نوین ایران شناخته می‌شوند، انجام شد.

در کوران چنین اتفاقاتی، کریم ساعی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا مقطع سیکل در مشهد مقدس گذراند. یکی از فرزندان ساعی نقل می‌کند که در همین زمان پدرش با یکی از همکلاسی‌های خود تصمیم می‌گیرند که برای ادامه تحصیل پیاده به باکو عزیمت کنند. آنها در روز موعود به راه می‌افتند و به دلیل بی‌تجربگی پس از یک روز راهپیمایی به نقطه اول می‌رسند و بدون هیچ نتیجه‌ای به منزل برمی‌گردند. مادر ایشان با توجه به شناختی که از وضعیت تحصیلی، هوش، ذکاوت و توانمندی‌های فرزند خود داشت وی را ترغیب کرد که به تهران رفته و ادامه تحصیل دهد. ساعی پس از آنکه در سال ۱۳۰۶ شمسی تصدیق کلاس نهم خود را در حالی که شانزده سال بیشتر نداشت با موفقیت کسب کرد، درخواست مادر را اجابت کرده و عازم تهران شد. وی در مدرسه عالی فلاحت تهران که رئیس آن میرزا محمودخان فاتح (فارغ‌التحصیل فرانسه) بود ثبت نام کرد و مشغول به تحصیل شد. پس از گذشت یک سال این مدرسه منحل اعلام شد و شرط ورود به مدرسه عالی را داشتن دیپلم کامل متوسطه اعلام کردند. در جوار مدرسه عالی فلاحت برای دانشجویانی که با مدرک سیکل وارد این مدرسه شده بودند کلاس چهارم دبیرستان ایجاد و نسبت به ثبت نام آنها از جمله کریم ساعی اقدام شد. تحصیلات متوسطه ایشان تا دریافت دیپلم

در کرج سپری شد و قرار بود در خرداد ماه ۱۳۰۹ شمسی در امتحانات ششم متوسطه وزارت معارف شرکت کند که به علت هجوم ملخ دریایی در اقصی نقاط ایران، داوطلبانه و از روی علاقه‌ای که به امر کشاورزی و آب و خاک این مملکت داشت برای مشارکت در مقابله با این آفت عازم خراسان شد. در خرداد همین سال در بحبوحه فعالیت‌های دفع آفت ملخ دریایی، در مشهد در امتحانات نهایی شرکت کرد که منجر به دریافت دیپلم در این شهر شد. در ادامه تحصیلات در مهر ماه همین سال در کلاس اول مدرسه عالی فلاحت ثبت نام کرد. کریم ساعی دوران تحصیل خود را با شتاب گذراند. گویی عجله داشت تا هرچه زودتر در ایران و خارج از کشور کلاس‌ها و مدارج علمی را طی کند و به دنبال وظیفه و مسئولیت اساسی خود برود. وی در سال ۱۳۱۰ شمسی در امتحانات اعزام محصلان به اروپا در حالی که هنوز امتحانات دانشکده را به پایان نرسانده بود شرکت کرد و در آزمون مربوطه با نمره عالی قبول شد. در پاییز همان سال از راه دریایی و بندر انزلی به همراه فردی به نام آقای ملکوتی و پنج نفر از اعزام‌شدگان رشته کشاورزی از جمله مهندس فرزانه و مهندس ریاحی به فرانسه عزیمت کرد. وی یک سال در دانشگاه شهر اورلئان و یک سال نیز در دانشگاه مونپلیه فرانسه به تحصیل پرداخت. وی همچنین تابستان‌ها در این دانشگاه‌ها به کارهای عملی پرداخت و دوره‌هایی را سپری کرد. پس از دریافت دیپلم کشاورزی در امتحانات کنکور انستیتو ناسیونال آگرونومیک فرانسه (INA) که از مراکز معروف و معتبر علمی جهان به حساب می‌آمد شرکت کرد و پس از دو سال تحصیل و قبولی با موفقیت چشمگیری در سال ۱۳۱۲ شمسی از این مرکز علمی فارغ‌التحصیل شد. تحصیلات درخشان او در فرانسه زبانه زد خاص و عام شد به طوری که تعجب افرادی چون دکتر عدل را که در فرانسه درس خوانده بود، برانگیخت. استعداد شگرف، دانش عمیق در مهندسی، ریاضیات و هنر، همچنین ادب و هوش سرشار ساعی به او شخصیتی بین‌المللی داده بود به طوری که در همان سال‌های تحصیل در فرانسه به دلیل موفقیت‌های کم‌نظیری که کسب کرده بود مجله معروف و تخصصی Revue de Bois به چاپ عکس و زندگی‌نامه ساعی پرداخت و او را به‌عنوان یکی از نوابغ و نوادر علمی جهان معرفی کرد.

استاد محمد طباطبایی در خاطراتش از زبان استاد ساعی نقل می‌کند که روزی وی در اتاقش مشغول درس خواندن بوده که یکی از دوستانش به او سر می‌زند و تشویقش می‌کند تا با هم اوقاتی را در شهر پاریس و مکان‌های تفریحی آن خوش بگذرانند. استاد ساعی در جواب آن مرد می‌گوید: «ما هر دو از ایران به اینجا آمده‌ایم و می‌دانیم که مردم ایران بسیار کم‌بضاعت و فقیر هستند. بعضی از آنها حتی لباس مناسب و کافی ندارند و برخی از داشتن کفش نیز محرومند ولی این قدر شرف، آبرو و حیثیت دارند که از هزینه شکم خود و افراد خانواده‌شان کم می‌گذارند و هزینه من و تو را پرداخت می‌کنند! آنها ما را به کشور فرانسه فرستاده‌اند که بیایم درس بخوانیم و انسان وارد



و کارآمدی شویم و برگردیم به مملکتمان خدمت کنیم. حالا شما بنده را به خوشگذرانی دعوت می‌کنید.» ساعی با پشتوانه چنین افکاری که ناشی از عمق مردم‌دوستی و آگاهی از مسئولیت‌های خود بود که خود را در مقابل ملت ایران پاسخگو می‌دانست، به فعالیت‌های آموزشی ادامه داد.

پس از خاتمه تحصیلات در فرانسه برای ادامه تحصیل با کشتی عازم کشور آمریکا شده و در ایالت کالیفرنیا در دانشگاه معروف برکلی رشته جنگل را انتخاب کرد. ریاست دانشکده ابتدا به ساعی پیشنهاد و توصیه کرد که چون ایشان قبلاً رشته مهندسی کشاورزی را خوانده و درجه مهندسی را دریافت کرده، بهتر است برای ادامه تحصیل به دانشگاه دیویس مراجعه کند؛ ساعی اظهار کرده بود که از کودکی عاشق درخت و جنگل بوده و آرزو داشته در این زمینه دانش خود را اضافه کند و چون آب‌وهوای ایران خشک است و پوشش جنگلی کمی دارد، قصد دارد پس از بازگشت در این زمینه به میهن خود خدمت کرده و ایران را سرسبز کند. رئیس دانشگاه چون علاقه‌مندی و پافشاری این مهندس جوان را می‌بیند فوراً به او تریک گفته و با درخواستش برای ادامه تحصیل در رشته جنگل موافقت می‌کند. ساعی در سال ۱۳۱۶ شمسی پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته جنگل با کوله‌باری از دانش و تجربه و عشق به خدمت عازم ایران می‌شود و به سراغ همان رشته‌ای می‌رود که در آن به تحصیل پرداخته بود. او به خوبی می‌دانست که حیات کشورش وابسته به منابع طبیعی است و جنگل و درخت نقش اساسی در بقای زندگی جامعه دارد.

به‌منظور اطلاع از اوضاع و احوال تشکیلات جنگلبانی کشور و نقش ساعی در به‌وجود آوردن اداره جنگل‌ها لازم است برای روشن شدن ذهن خوانندگان محترم کمی به عقب برگشته و کارهایی را که در شعبه جنگل وزارت فوائد عامه به اجرا درآمده توضیح داده شود. همان‌طوری‌که در سطور قبل گفته شد اولین تشکیلات رسمی و توجه عملی به منابع طبیعی در سال ۱۲۹۶ شمسی با تأسیس شعبه جنگل به‌منظور مدیریت منابع طبیعی در وزارت فوائد عامه ایجاد شد. به‌دنبال آن نقشه‌برداری از این جنگل‌ها آغاز و اداره‌هایی در شمال ایجاد شد که مدیریت آن را به هانس شریکر واگذار کردند. در سال ۱۳۰۲ شمسی دولت ایران برای کمک به هانس شریکر و انجام مدیریت بهتر جنگل‌ها، مهندسی را از کشور آلمان به‌نام فندم هاگن به‌مدت سه سال استخدام کرد تا برنامه‌ریزی جدیدی برای مدیریت جنگل‌ها انجام شود. آنان با همفکری یکدیگر برای ساختار سازمانی جنگلبانی در شمال کشور دو تشکیلات اداری ایجاد کردند که یکی از آنها «تشکیلات گیلان» بود که به ریاست فردی به‌نام سرکارات ایجاد شد. وی قبلاً در شیرگاه معاون هانس شریکر بود. بعدها «تشکیلات مازندران و گرگان» هم ایجاد شد که مسئولیت آن با هانس شریکر بود. همچنین

به‌منظور هدایت امور و برنامه‌ریزی‌های لازم در مرکز، تشکیلاتی را به‌وجود آوردند که ریاست آن را به یک مهندس ایرانی به‌نام میرمنصور خمسی واگذار کردند و فندم هاگن به‌عنوان کارشناس در آن اداره مشغول به‌کار شد. هانس شریکر برای جنگلبانی ایران زحمات زیادی کشید و اقدامات مؤثری برای حفاظت از جنگل‌ها در اداره جنگلبانی وقت انجام داد. اولین نظام‌نامه حفاظت از جنگل‌ها در سال ۱۳۰۲ شمسی از سوی این مرد و همکار خوش‌قلبش، فندم هاگن به هیئت دولت پیشنهاد شد که مورد تصویب قرار گرفت و برای اجرا به دوایر مربوطه ابلاغ شد. فندم هاگن مرد بسیار محترم، باسواد و خوش‌نیتی بود و با عملکردی که داشت برای سه سال بعد، مأموریت وی را تمدید کردند و درنهایت در سال ۱۳۰۷ شمسی به مأموریت وی خاتمه داده شد. وی بنا به علاقه‌مندی که به جنگل‌های ایران داشت به کشور خود بازنگشت و در ایران ماندگار شد. او با شریکر در زمینه برگزاری کلاس‌های آموزشی برای تربیت نیروی انسانی بدون هیچ‌گونه مسئولیت اداری و چشم‌داشتی همکاری می‌کرد. آنها در سال ۱۳۰۹ شمسی نخستین دوره آموزش جنگلبانی را در زمانی که ساعی عازم تحصیلات عالی در فرانسه بود برگزار کردند. در اواخر همین سال فرد دیگری به‌نام لویی نیکه از کشور فرانسه به استخدام دولت ایران درآمد و در اولین اقدام خود با توجه به نفوذی که داشت میرمنصور خمسی و هانس شریکر را از کار برکنار کرد. در سال ۱۳۰۹ شمسی وزارت فلاح، تجارت و فوائد عامه به دو وزارتخانه اقتصاد شامل ادارات فلاح، تجارت و معادن و دیگری وزارت راه تقسیم شد. لویی نیکه پس از آغاز به‌کار در اواخر سال ۱۳۰۹ شمسی در شعبه جنگل اقداماتی را به‌منظور سروسامان دادن به امور تشکیلاتی و امور اداری انجام داد. وی در سال ۱۳۱۱ شمسی مقررات جدیدی را برای حفاظت و حراست جنگل‌ها پیشنهاد کرد و به تصویب رساند که به‌سرعت هم برای اجرا به تمام ادارات تابعه ابلاغ شد. کارشناسان و قربان‌های جنگل به‌منظور حفاظت جنگل‌ها، این مقررات را از روی حسن وظیفه اداری اجرا کردند و جلوی بسیاری از تخریب‌های جنگل گرفته شد. مالکان خصوصی که با چنین سخت‌گیری‌هایی مواجه شده بودند و نمی‌خواستند از مقرراتی که وضع شده اطاعت کنند توسط متنفذان و عوامل خود برخوردهای کارکنان اداره جنگلبانی را محکوم کرده و با سعایت آنان توسط عواملشان در دربار، رضاشاه را مجبور کردند تا دستور انحلال سازمان نوپای جنگلبانی را اعلام کرده و بودجه آن را قطع کند. با انحلال این تشکیلاتی که می‌رفت به پیشرفت‌های بهتری در زمینه حفاظت و مدیریت جنگل‌های کشور نائل شود، وارد آمد. یک سال بعد از این اتفاقات، دولت مرکزی مجبور شد برای رتق وفتق امور جنگل با استفاده از بودجه سایر ادارات به‌منظور حفاظت جنگل تحت‌نظر مدیران ادارات کشاورزی، افرادی را به‌عنوان قربان استخدام کند.

حقوقی برای فعالیت‌های جنگلبانی اعتقاد راسخی داشت و در اولین اقدام به دنبال تلاش‌های فراوان با کمک بسیاری از همکارانش از جمله مهندس بنان که در فرانسه درس جنگلبانی خوانده و از انستیتوی آگرونومیک ژامبلو بلژیک فارغ التحصیل شده بود توانست در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۲۱ شمسی نخستین قانون جنگلبانی ایران را به تصویب مجلس شورای ملی برساند. در قدم بعدی سعی تلاش کرد تا در جهت آگاه‌سازی اذهان عمومی و کارکنان دولت و همچنین تأمین نیروی انسانی کارآمد



استاد مهندس کریم ساعی (استاد جنگل) سمت چپ، استاد مهندس ابراهیم ناجی (استاد خاک‌شناسی) سمت راست



استاد مهندس کریم ساعی با گروهی از دانشجویان (نفر سوم ایستاده سمت راست)

در سال ۱۳۱۶ شمسی پس از بازگشت مهندس ساعی به ایران کلیه تشکیلات جنگلبانی ایران در اداره کل فلاحت منحل شده بود. در این زمان، فقط یک نفر به نام آقای صادقی در پشت میزی که در یکی از سالن‌های این وزارتخانه قرار گرفته بود و بهره و عوارض درختان مقطوعه جنگل را دریافت می‌کرد، به سؤالات مراجعه‌کنندگان در زمینه جنگل پاسخ می‌داد. مهندس ساعی در بدو ورود و استخدام در اداره کل فلاحت با چنین وضعیت آشفته اداری و مشکلات بسیار زیادی روبه‌رو شد. وی در اولین اقدام با حضور یک کارمند و یک میز و دو صندلی واحدی به نام دایره جنگل را در اداره کل فلاحت پی‌ریزی کرد. این واحد در سال ۱۳۱۷ شمسی به‌طور رسمی در اداره کل فلاحت مرکز تشکیل شد که ریاست آن با کریم ساعی بود. وی از بدو تصدی دایره جنگل به فکر تشکیل یک نظام جدید برای اداره جنگل‌ها بود و در نهایت بر اثر فعالیت و تلاش شبانه‌روزی موفق شد اداره جنگلبانی را در سال ۱۳۱۹ شمسی به‌وجود آورد. دامنه افکار و همت وی به قدری بلند بود که به این مقدار اکتفا نکرد و در صدد تشکیل سازمان بزرگ‌تری برای اداره جنگل‌های کشور بود؛ به همین دلیل گزارشی مبنی بر لزوم ایجاد تشکیلات جنگلبانی تهیه کرد که به‌وسیله رئیس کل وقت کشاورزی که شخصی به نام رام بود به اطلاع رضاشاه رسید. اداره کل فلاحت در سال ۱۳۱۹ شمسی به اداره کل کشاورزی تغییر نام داد و در نیمه دوم سال ۱۳۲۰ شمسی اداره کل کشاورزی به وزارت کشاورزی تبدیل شد. بر اثر چنین تغییرات تشکیلاتی بود که در سال ۱۳۲۱ شمسی اداره جنگلبانی به اداره کل جنگل‌ها تبدیل شد و سازمان منطقه‌ای جنگلبانی در گیلان، تنکابن، مازندران و گرگان زیر نظر رؤسای ادارات کشاورزی به‌وجود آمد.

مهندس ساعی در سال ۱۳۲۰ شمسی بر مبنای بررسی‌ها و تحقیقات مقدماتی، جنگل‌گردشی و محاسبات ریاضی روی نقشه‌های موجود، مساحت جنگل‌های کشور را بین ۱۸ تا ۱۹ میلیون هکتار برآورد کرد. او در این محاسبات جنگل‌های زاگرس را ۱۰ میلیون هکتار و جنگل‌های شمال کشور را سه و نیم میلیون هکتار محاسبه کرد. ساعی اظهار کرده بود که براساس شناختی که از پتانسیل جنگل‌های ایران سراغ دارد در ایران باستان وسعت جنگل‌های کشور بالغ بر ۳۰ میلیون هکتار بوده است. وی در همین زمان برای اولین بار جنگل‌های ایران را براساس نوع گونه، مناطق جغرافیایی و اقلیمی طبقه‌بندی کرد که شامل جنگل‌های شمال، ارس، بلوط، پسته، گرمسیری و کویری بود.

ساعی فردی بود که توانست با شجاعت، برای نخستین بار در ایران، افکار مقامات دولتی زمان خود را به لزوم اداره علمی جنگل‌ها متوجه کند که کار ساده و آسانی نبود. وی در ادامه کار خود به دو مسئله اساسی پرداخت که عبارتند از: ۱- قانونمند کردن مدیریت جنگل‌ها ۲- آموزش و تشکیل کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی متوسطه. استاد ساعی با توانمندی و در پی اصول اساسی که برای برنامه کاری خود پی‌ریزی کرده بود به موضوع تدوین قوانین



او را از پای درآورند و ساقط کنند. اما ساعی همواره می‌گفت که «من به مانند میخی می‌مانم که هر چه بر سرش می‌کوبند بیشتر در چوب فرو می‌رود.» حقوق و مزایای او را قطع کردند تا محتاج این و آنش کنند. به خیابان انقلاب رفت و مغازه‌های اجاره کرد و به شغل شریف کتاب‌فروشی مشغول شد. پرونده مجهول کامیون چوب قاچاق دسیسه‌ای بود تا وی را از هستی ساقط کنند. اما مردی که خود قانون جنگل را نوشته بود در مقابل دادستان چنان یک‌تنه از خود دفاع کرد که تعجب همگان به‌خصوص بازپرس را برانگیخت و همگی اعتراف کردند که حق با ساعی است. سرانجام وقتی از دادگستری بیرون آمد و خبر موفقیت او به گوش یارانش رسید، همه غرق در شادی و شور شدند و بار دیگر فرزند ملت روسفید و با غرور و جبروت خاصی حقانیت خود را به‌اثبات رساند.

پس از افتتاح مدرسه عالی فلاحت توسط رضاشاه در ۱۳۰۹ شمسی، ریاست آن را به احمدحسین عدل سپردند و دبیرستانی در سال ۱۳۱۱ شمسی در کنار آن ساختند. بعد از احمد حسین عدل افرادی مانند میرمنصور خمسی و بعد از آن در سال ۱۳۱۳ شمسی پروفیسور گائوبا، استاد گیاه‌شناسی، سمت مدیریت مدرسه عالی فلاحت را بر عهده داشتند. حبیب‌الله ثابتی به‌همراه اسفندیاری و ملکی که هر سه از شاگردان پروفیسور گائوبا بودند از دانشکده کشاورزی فارغ‌التحصیل شدند و ثابتی به‌عنوان کارشناس به

اقدامات سنجیده‌ای را به‌عمل آورد. وی در سال ۱۳۲۱ شمسی نشریه‌ای به‌نام «شماه‌ای درباره جنگل‌های ایران» را منتشر کرد. وی سپس به‌منظور عملی کردن اهداف خود مبنی بر تربیت نیروی انسانی توانا و آگاه به دانشگاه تهران و دانشکده کشاورزی کرج مراجعه کرد و در اولین اقدام برگزاری دوره‌های آموزشی را به ریاست این دانشکده پیشنهاد داد. تصدی اداره کل جنگل‌ها تا اواسط سال ۱۳۲۴ شمسی با مهندس ساعی بود. مدیریت وی در این سال‌ها با مشکلات فراوانی همراه بود، اما خم به ابرو نیاورد و یک‌تنه به جنگ تمامی موانع رفت. در کشوری که در آن زمان موفقیت هر فرد احتیاج به خانواده بانفوذ و پشتیبانی عالی‌مقامی داشت، کریم ساعی با اتکا به نیروی دانش و همت بلند خود با دستان خالی به‌کار پرداخت. در آن زمان، تنگ‌نظران و غارتگران منابع طبیعی از کار ساعی ناخشنود بودند و به هر حيله‌ای دست می‌زدند تا مانع کارهای قانونمند وی شوند. این افراد سودجو سرانجام توانستند ناجوانمردانه پرونده تخلف خروج غیرقانونی و بدون پروانه حمل چوب برای ساعی بسازند و او را روانه دیوان عدالت اداری کنند. مردی که تاکنون تمامی تلاش خود را برای نجات جنگل‌ها در طبق اخلاص نهاده بود اکنون باید به اتهام غارت اموال عمومی در برابر بازپرس و دادستان قرار می‌گرفت. دشمنان در پی آن بودند تا



استاد مهندس کریم ساعی (نفر اول از سمت راست)



استاد ساعی به‌همراه دانشجویان و همکاران در عملیات دانشجویی جلو هتل رامسر (ردیف جلو نفر پنجم از سمت راست)



استاد ساعی چند روز قبل از حادثه سقوط هواپیما جلوی درب دانشکده کشاورزی کرج



استاد ساعی در شورای دانشکده کشاورزی

می‌گفت کسانی که ریاست دانشکده را بپذیرند و آن را به تعالی سوق دهند، پیدا می‌شوند اما برای مبارزه مقدسی که وی شروع کرده بود کسی در میان نبود، پس بی‌درنگ از ریاست دانشکده استعفا داد.

استاد کریم ساعی از بدو تصدی مسئولیت دایره جنگل در سال ۱۳۱۷ شمسی به فکر تشکیل یک نظام جدید برای اداره جنگل‌های کشور بود تا اینکه در اواخر فروردین سال ۱۳۲۷ شمسی موفق شد مجوز این سازمان جدید را برای مدیریت جنگل‌های کشور کسب کند که در آن استقلال بیشتری نصیب اداره جنگل شد. مصوبه شماره ۱۳۲۷/۱/۲۴ هیئت دولت به شماره ۲۰۵۲۳ در پس تلاش‌ها و پیگیری‌های شبانه‌روزی وی منجر به تأسیس بنگاه جنگل‌ها شد. در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۲۷ شمسی احمد مقبل، وزیر باдрایت وقت کشاورزی، استاد ساعی را به ریاست هیئت مدیره و مدیریت عاملی بنگاه جنگل‌ها انتخاب و معرفی کرد. در واقع دکتر مقبل با انتخاب ساعی یکی از شایسته‌ترین انتصابات را در تاریخ سازمان جنگلبانی کشور انجام داد که در آن علم و دانش منابع طبیعی، مدیریت و کارایی و شایستگی تنها معیار انتخاب بود و نه مسائل سیاسی و معیارهایی که بیشتر در جهت ایجاد تزلزل در مدیریت‌های منابع طبیعی بوده است. از ابتدای ایجاد تشکیلات سازمان جنگل‌ها بارها چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی تجربه شده است که هر زمان فردی با چنین مشخصاتی در



احداث خیابان ولیعصر تهران در سال ۱۳۰۰ شمسی
چنارهای سر به فلک کشیده این خیابان از آثار ماندگار مهندس کریم ساعی است.

صدر امور قرار گیرد بالندگی و شکوفایی در امور حفاظت و توسعه منابع طبیعی کشور رونق می‌گیرد.

استاد کریم ساعی شاهرکار علمی خود را با عنوان "جنگل‌شناسی" در دو جلد در سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۲۹ شمسی منتشر کرد. با نشر این کتاب‌ها پایه و اساس اطلاعات علمی جنگلبانان کشور پی‌ریزی شد. این در حالی است که هنوز بیش از نیم قرن اعتبار علمی این انتشارات همچنان باقی است.

در پانزدهم آذرماه ۱۳۲۸ شمسی نخستین شماره نشریه اداری مخصوص کارکنان بنگاه جنگل‌ها با عنوان «خبرنامه بنگاه جنگل‌ها» با سرمقاله‌ای به قلم کریم ساعی منتشر شد. این نشریه پس از طی

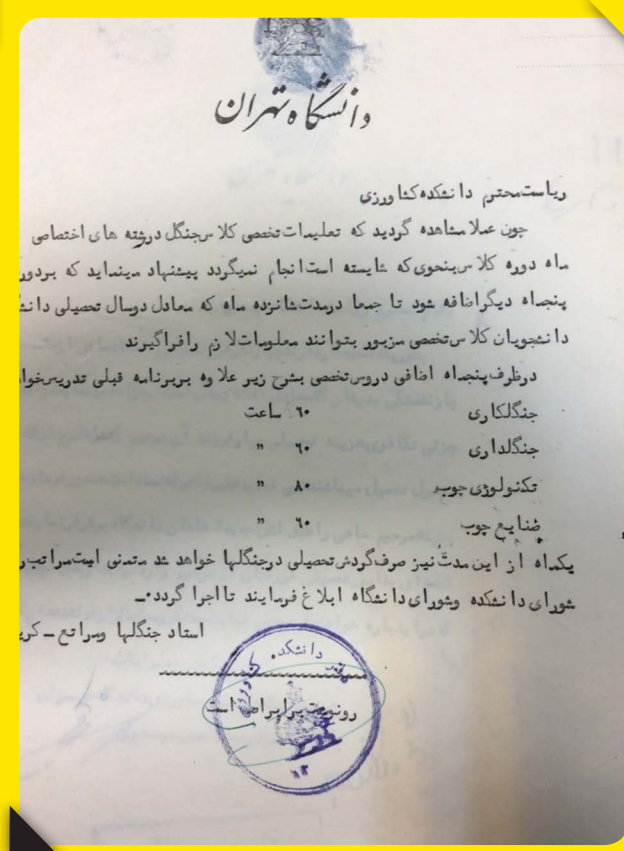
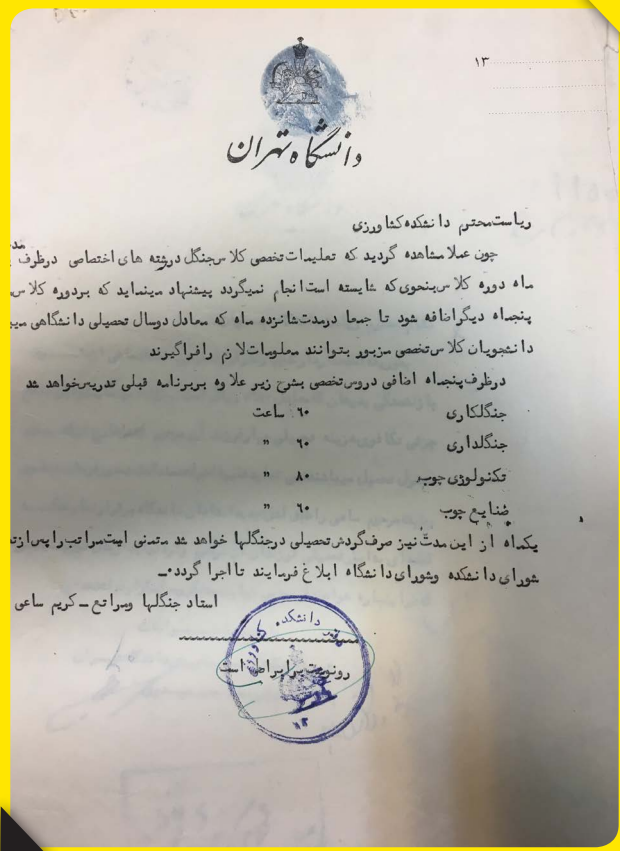
استخدام مدرسه عالی فلاح کرج درآمد. از سال ۱۳۱۹ شمسی مدرسه عالی فلاح به دانشکده کشاورزی تغییر نام داد و در این زمان هنوز وابسته به وزارت کشاورزی بود. از سال ۱۳۱۰ شمسی موضوع تأسیس دانشگاهی در شهر تهران مطرح شده و پس از فعالیت‌های زیادی در سال ۱۳۱۳ شمسی دانشگاه تهران در محل فعلی در نزدیکی میدان انقلاب تأسیس شد.

در سال ۱۳۱۸ شمسی در صدر وزارتخانه کشاورزی فرد باکفایتی به نام امیر علایی قرار گرفته بود. وی عقیده داشت که نباید هر وزارتخانه‌ای برای خود سازمان آموزشی یا تحقیقاتی جداگانه داشته باشد لذا اصلح آن است که در کشور ما نیز همانند سایر کشورهای پیشرفته دنیا مسئولیت امور آموزشی و پژوهشی به وزارت علوم و دانشگاه‌ها سپرده شود و وزارتخانه‌ها و ادارات به کارهای اجرایی خود بپردازند. بنا به چنین عقیده درستی درخواست ایشان مورد اجرا گذاشته شد و با پیگیری‌های به عمل آمده موضوع جدا شدن دانشکده کشاورزی و انتقال آن به دانشگاه تهران عملی شد. در ۱۶ اسفند ماه ۱۳۲۴ شمسی دانشکده کشاورزی براساس مصوبه‌ای از وزارت کشاورزی جدا شده و به مجموعه دانشکده‌های دانشگاه تهران پیوست. در این زمان به درخواست پروفیسور هشترودی، محمدحسن مهدوی اردبیلی و مهندس کریم ساعی به استخدام دانشکده کشاورزی درآمدند. مهندس ساعی قبل از این اقدامات در سال ۱۳۲۱ شمسی در راستای اهداف خود پیشنهاد تدریس درس جنگل‌شناسی (شامل جنگل‌شناسی، آمار و اندازه‌گیری و درخت‌شناسی) را در دانشکده کشاورزی داده بود که با استقبال و پشتیبانی احمد حسین عدل، رئیس وقت دانشکده به تصویب رسید. در سال ۱۳۲۴ شمسی پس از پیوستن دانشکده کشاورزی به دانشگاه تهران به منظور بارورتر کردن درس جنگل‌شناسی، ایجاد آزمایشگاه جنگل از سوی مهندس ساعی مطرح شد و به تصویب شورای دانشکده کشاورزی رسید. تا این سال موضوع درجه علمی استادان و معلمان دانشکده کشاورزی به صورت مبهم باقی مانده بود تا اینکه در اواخر فروردین سال ۱۳۲۸ براساس مصوبه‌ای، مجلس شورای ملی موافقت کرد درجه علمی تعدادی از معلمان به مقام استادی ارتقا داده شود؛ در این میان مهندس کریم ساعی به لحاظ تحصیلات عالی در فرانسه و آمریکا و انتشارات ذی‌قیمتی که تا این زمان صورت داده بود و همچنین با توجه به سوابق مسئولیت‌ها و مقامات اجرایی کشوری، به افتخار مقام استادی با رتبه ۷ نائل آمد. استاد محمدحسن مهدوی اردبیلی در خاطرات تاریخی دانشکده کشاورزی اشاره می‌کند که در بین استادان اولیه این دانشکده کریم ساعی و روح‌الله فرزانه، افکار بسیار پیشرفته‌ای داشتند و اغلب برای زیرورو کردن برنامه دانشکده و تغییر در سیستم تعلیمات آن با هم می‌نشستیم و دردودل می‌کردیم. من همیشه آرزو داشتم کریم ساعی رئیس دانشکده شود و افکار خود را جامه عمل بپوشاند. وقتی مهندس ساعی به مقام استادی نائل شد بی‌درنگ استادان دیگر، آن مرد علم و دانش را به ریاست دانشکده انتخاب کردند، اما ساعی مبارزه برای حفظ جنگل‌ها را ترجیح می‌داد. چنان‌که خودش



سالیان دراز (بیش از ۵۲ سال) با عنوان‌هایی چون «نشریه بنگاه جنگل‌ها»، «خبرهای سازمان جنگل‌ها» و در نهایت «فصلنامه جنگل و مرتع» به حیات و بقای خود ادامه داده است. استاد ساعی مصمم بود در دانشکده کشاورزی دوره آموزش جنگلبانی برگزار کند و برای این منظور علاوه بر دوره کوتاه مدتی که در سال ۱۳۲۱ شمسی در دانشکده کشاورزی برگزار کرد دوره تخصصی برای مهندسان فارغ‌التحصیل کشاورزی پیشنهاد کرد که نتیجه آن دایر شدن اولین دوره تخصصی جنگل در سال ۱۳۲۹ شمسی به مدت دو سال بود. همان‌طوری که پیش از این اشاره شد پس از سال‌ها تدریس در زمینه علوم جنگل

شاگردان کریم ساعی بود استخدام و مسئول آزمایشگاه کرد. زمانی که اولین دوره تخصصی جنگل را با فارغ‌التحصیلان کشاورزی شروع کرد بر درستی نظر خود بیشتر اطمینان حاصل کرد و لذا با شور و اشتیاق وافر به کمک استاد حجازی طراحی و برنامه‌ریزی مکانی و زمانی آزمایشگاه شروع شد و امکاناتی را هم برای تجهیزات آن از محل اصل چهار ترومن تدارک دیدند؛ اما متأسفانه زمانی که در سال ۱۳۳۴ شمسی آزمایشگاه جنگل و چوب‌شناسی با کمک‌های مالی و کارشناسی سازمان برنامه، دانشگاه تهران و سازمان خواروبار جهانی (فائو) راه‌اندازی شد استاد ساعی دیگر در قید حیات نبود تا ثمره کار خود را شاهد باشد.



نمونه‌ای از نامه‌های استاد ساعی در دانشکده منابع طبیعی کرج

استاد ساعی عقیده داشت که تعیین مساحت واقعی جنگل‌ها و رویش حقیقی جنگل تأثیر بسیاری بر مدیریت درست و صحیح جنگل‌ها دارد. براساس چنین عقیده‌ای بود که وی ابتدا ارزیابی مساحت جنگل‌ها را با محاسبات دقیق و درایت خود انجام داد و در اقدام بعدی برای تعیین رویش جنگل در خردادماه ۱۳۲۹ شمسی دو نفر از کارشناسان بنگاه جنگل‌ها به نام‌های ابوالقاسم دبستان و محمد داداش‌زاده را به جنگل‌های گرگان، مازندران و گیلان روانه کرد تا در قالب اولین مأموریت علمی، مطالعاتی در زمینه رویش جنگل انجام دهند.

برای ساعی مسجل شده بود که تدریس به صورت نظری و بدون آزمایشگاه و تجهیزات آن چندان مطلوب نیست، لذا به فکر تأسیس آزمایشگاه جنگل و چوب‌شناسی افتاد. در ابتدای سال ۱۳۲۴ شمسی با موافقت ریاست وقت دانشکده کشاورزی اتاقی را به این امر اختصاص داد که خود آن را اداره می‌کرد و سپس به فکر استخدام یک نفر به‌عنوان کارشناس برای اداره آزمایشگاه جنگل افتاد. به همین دلیل در تیرماه ۱۳۲۷ شمسی استاد فقید و بنیانگذار انستیتوی جنگل، استاد رضا حجازی را که در آن موقع از

استاد ساعی همپای چنین اقداماتی برای جنگل‌های شمال کشور از ابتدا به فکر تحقق آرزوهای دیرینه دوران تحصیلات خود یعنی درخت‌کاری و ایجاد فضای سبز در سراسر کشور بود. به همین خاطر در برنامه اولیه‌ای که به رضاشاه داده بود و در سطور قبلی به تفصیل به آن اشاره شد احداث سه نهالستان را در شمال پیش‌بینی کرده بود. او در همان سال‌ها (۱۳۱۹ شمسی) مدیریت یکی از نهالستان‌های واقع در ولی‌آباد مابین جاده چالوس به کرج را به هانس شریکر که قبلاً توسط لویی نیکه کنار گذاشته شده بود ولی هنوز با بدنه جنگلبانی ایران ارتباط داشت، واگذار کرد. دید وسیع و عمق اندیشه استاد ساعی از همان ابتدا موجب شده بود تا مسائل طبیعی را به صورت

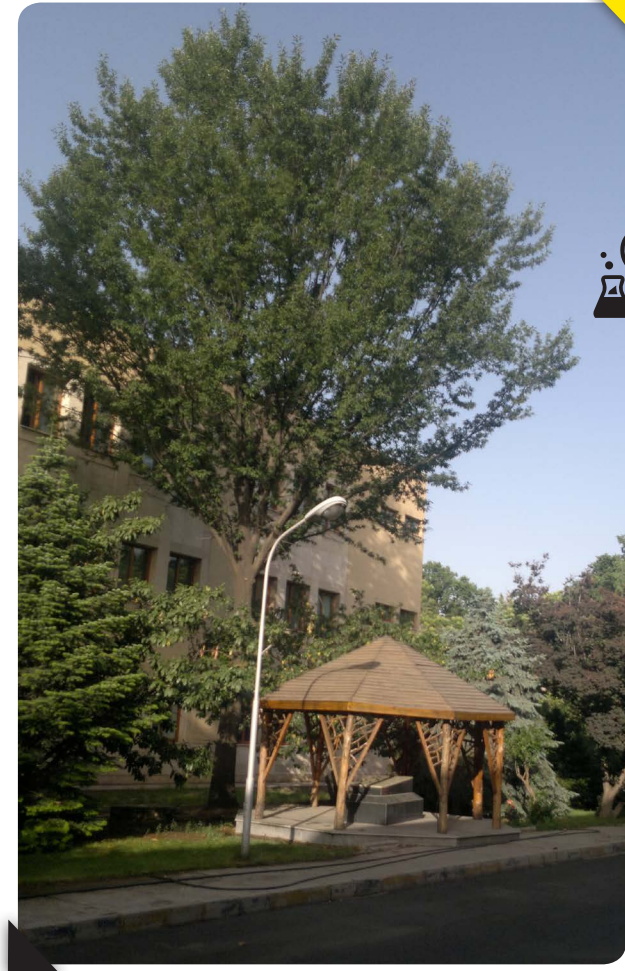


مجسمه استاد ساعی در پارک ساعی

اساسی و پایه‌ای مد نظر قرار دهد. یکی از این موارد، موضوع مبدأ بذر و در نظر گرفتن ویژگی‌های بذر مصرفی در تولید نهال و عملیات جنگل‌کاری بود. در سال ۱۳۲۱ در اداره جنگلبانی سه واحد جنگل‌کاری، آزمایشگاه بذر و پیوند درختان جنگلی را به وجود آورد و با ژرفاندیشی و آینده‌نگری همواره توصیه می‌کرد که باید به فضای سبز و پارک‌های شهری آینده ایران با توجه به گسترش شهرسازی و رشد صنایع در اطراف شهرها توجه جدی شود. وی طرح کمربندهای سبز را به‌عنوان ریه‌های شهرهای ایران پیشنهاد داد و اقداماتی در این زمینه به عمل آورد.

طرح چنین موضوعی در آن زمان که هیچ‌گونه آثار آلودگی هوا هویدا نبود اطرافیان را کمی متعجب می‌کرد؛ اما امروز جامعه ساکن در شهر تهران به‌خوبی درک می‌کنند که چنین فردی در آن زمان برای امروز آنها نگران بوده است. ساعی در آن موقع اقدامات جنگل‌کاری را در سراسر کشور شروع کرد که چراغ راه ما در شرایط فعلی است. احداث بوستان‌ها و پارک‌های شهری از جمله اقداماتی است که توسط وی اشاعه داده شد و به‌همین منظور تلاش کرد تا در سطح شهر تهران و شهرستان‌ها این اقدامات شروع شود که از جمله می‌توان به بوستانی که در سال ۱۳۲۴ شمسی در خیابان ولی‌عصر فعلی در محوطه‌ای به وسعت ۱۲ هکتار با کاشت ۱۲ گونه درختی ایجاد شد، اشاره کرد. این بوستان را استاد حسین محبوب در سال ۱۳۴۰ شمسی طراحی کرد و دولت وقت به مناسبت خدمات آن بزرگ‌مرد به‌نام ایشان آن را پارک ساعی نام‌گذاری کرد. بین سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۱ شمسی برای تشویق مسئولان و مردم نسبت به کشت درختان مختلف از جمله گونه‌های آیلان، سرو، کاج و چنار در تپه‌ماهورهای تهران و شمیرانات و عباس‌آباد در سطح وسیعی اقدام کرد. در واقع او اولین کسی بود که برای جنگل‌کاری و توسعه فضای سبز در شهر تهران و سایر شهرها گام‌های مؤثری برداشت و اشاره می‌کرد که این جنگل‌کاری‌ها تأثیر زیادی بر سلامت و زندگی اجتماعی مردم دارند.

اعتقاد و علاقه ساعی به آبادانی به‌حدی بود که خود به آبیاری این‌گونه درختان می‌پرداخت. اینکه در محیط خشک و بی‌آبی همچون تهران نیز می‌توان درخت مناسبی پیدا کرد و اطراف شهر کمربندی سبز به‌وجود آورد در واقع زائیده فکر و اندیشه ساعی بود. هرچند جنگلی که او به‌وجود آورد هر روز مورد هجوم غارتگران زمین قرار گرفت اما به‌عنوان یادگاری از او باقی مانده است. پارک ساعی تهران و قسمتی از غرس چنارهای خیابان ولی‌عصر یادگاری فراموش‌نشده‌ی و آثار ماندگار این مرد بزرگ میدان علم و عمل است. او معتقد بود تا چند سال آینده مناطق صنعتی و مسکونی توسعه می‌یابند و مردم برای سلامت به این پارک‌ها و فضای سبز نیازمند می‌شوند. کارنامه درخشان زندگی و تفکر ساعی را دوران خدمت او به کشورش تشکیل می‌دهد. او در طول عمر پربار و کوتاه ۴۱ ساله‌اش، تنها به مدت ۱۵ سال فرصت داشت تا در راه خدمت به مملکت خود کار و فعالیت کند. اغراق نیست که اگر بگوییم ۱۵ سال کار و تلاش او بیش از عمر صد ساله بسیاری از افراد ارزش و اعتبار داشت. او در کار کردن وقت و زمان نمی‌شناخت و لحظه‌ای را از دست نمی‌داد. حتی بسیاری از دوستانش دیده بودند که در دفتر کار خود اصلاح موی سرش را انجام می‌داد و در همان هنگام به مطالعه پرونده‌ها می‌پرداخت و از این مدت‌زمان کوتاه هم به نحو احسن استفاده می‌کرد. یکی از خصایص بارز و پسندیده ساعی توجه به کارکنان و افراد تحت مدیریتش بود و همواره با همه آنان با احترام و نیکی که حاکی از قلب رئوفش بود رفتار می‌کرد. زنده‌یاد استاد سیدمحمد



نمایی از مقبره استاد ساعی در پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران

بسیار لایق و اندیشمند که همیشه به فکر سازندگی و در خدمت جامعه بود.

آنچه را که امروزه به نام سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور می‌شناسیم نتیجه فکر و اندیشه خلاق ساعی است. بسیاری از عناوین و اصطلاحات رایج نظیر جنگلبان، جنگل‌داری و غیره همه زائیده ذهن و قلم اوست. اصطلاحات فنی که در کتاب باارزش او به کار رفته امروزه به‌طور کامل جا افتاده و مورد استفاده اهل قلم قرار می‌گیرد.

استاد ساعی همواره به حفظ و افزودن جنگل و بهره‌گیری علمی از این سرمایه خدادادی اشاره کرده است. در آن سال‌ها در جهت افزایش سرمایه جنگل به جنگل‌کاری دست‌کاشت اهمیت فراوان می‌داد. از نظر اولویت‌بندی جنگل‌کاری در ایران، ساعی ابتدا به فکر تقاطعی از جنگل‌ها بود که در نتیجه زغال‌گیری لخت و تنک شده بود. سپس به مرزهای بالابند و پائین‌بند جنگل‌ها اندیشیده و اقدامات مؤثری برای بازسازی آنها انجام می‌داد. پس از گذشت این همه سال به دست توانای فرزندان آن مرد سترگ در سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور در قالب طرح صیانت از جنگل‌ها این اقدامات در ارتفاعات جنگل‌های شمال و غرب کشور به‌اجرا درآمده است.

استاد ساعی علاقه فراوانی به اعزام افراد کادر فنی به اروپا و سایر کشورها برای آموزش علوم جدید، مطالعه و بررسی در رشته‌های علمی جنگلبانی داشت. به اهتمام او مقدمات حرکت اولین دسته مهندسان بنگاه جنگل‌ها و مراتع به کشورهای اروپایی تدارک دیده شد.

ساعی در دانشگاه تدریس می‌کرد و به‌طور مرتب در پی آن بود که دامنه و سطح معلومات همکاران را افزون کرده و ارتقا دهد. پیشنهاد تدریس درس جنگل‌شناسی در سال ۱۳۲۱ در دانشکده کشاورزی و تصویب آن منجر به دایر شدن دوره تخصصی علوم جنگل در سال ۱۳۲۸ شمسی شد. فکر ایجاد آزمایشگاه و تجهیز آن نیز منجر به احداث آنها شد. با نهایت تأسف و تأثر بنیان‌گذار سازمان جنگلبانی، آموزش دانشگاهی رشته جنگل و پایه‌گذار تحقیقات منابع طبیعی و مجلات و نشریات متعدد، خود پایان احداث ساختمان آزمایشگاه را ندید و در زمانی که تازه پایه‌های ساختمان آزمایشگاه استوار شده بود در پی مأموریت اجرایی برای طراحی کمربند سبز اطراف شهر شیراز در یک سانحه هوایی در بازگشت به شهر تهران در روز چهارم دی‌ماه ۱۳۳۱ شمسی درگذشت و به این ترتیب ایران یکی از بهترین فرزندان خود را از دست داد.

خبر فرود اضطراری و حادثه جانگداز سقوط هواپیما همه دوستان استاد ساعی را به‌تازگی زده کرده بود. جسم بی‌جان و نیم‌سوخته او در بین اجساد پیدا شد و یاران با اندوه فراوان و شکوه هرچه تمام‌تر آن را در روز هفتم دی‌ماه ۱۳۳۱ شمسی از مقابل مسجد مجید تهران به طرف دانشکده کشاورزی کرج تشییع کردند و او را در نقطه‌ای از جنگل‌های کاجی که خود با دستان پرمهرش در محوطه دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران

طباطبایی خاطره‌ای از استاد ساعی نقل می‌کرد که این ادعا را اثبات می‌کند. ایشان در خاطرات شخصی خود می‌نویسد: «چند ماهی بود که پرداخت حقوق و تعهداتی که از سوی اصل چهار ترومن شده بود به تعویق افتاده بود. یک روز مستخدم اداره چکی را در پاکتی روی میز استاد می‌گذارد و ایشان از مستخدم سؤال می‌کنند که این پاکت چیست؟ وی در جواب می‌گوید این پول حقوق معوقه شماست. استاد ساعی بلادرنگ مستخدم بخش جنگل و چوب را که مردی به نام آقای علی‌قلی منصوریار بود صدا می‌زند و از او سؤال می‌کنند که علی‌قلی شما حقوق خود را دریافت کرده‌ای؟ او هم جواب می‌دهد که خیر استاد. اول حقوق استادان را پرداخت می‌کنند و سپس حقوق ما مستخدمین پرداخت می‌شود. استاد ساعی فوری چک را روی میز برمی‌گرداند و پشت آن خطاب به ریاست دانشکده می‌نویسد مادامی که علی‌قلی و علی‌قلی‌ها حقوق خود را نگرفته‌اند پذیرش این چک از طرف من حرام است و چک را برای ریاست دانشکده پس می‌فرستد.»

استاد ساعی یکی از استادان تراز اول، انسان‌دوست و صاحب‌نظر در کار خود بود. او مردی بود طراح و برنامه‌ریز و

ایجاد کرده بود به خاک سپردند.

محمدابراهیم باستانی پاریزی، نویسنده و تاریخ‌شناس فقید نقل می‌کند که در آن ایام برای دیدار خواهرش به شیراز سفر کرده بود و در فرودگاه با استاد ساعی برخوردی اتفاقی داشته‌اند. ایشان می‌نویسند: «در زمانی که در هواپیما نشسته بودم متوجه ورود مردی بلندقامت، خوش‌روی و زیبا شدم. ایشان خطاب به مسافران درخواستی عجیب را با این عبارت مطرح کردند: آقایان من در کار کشاورزی مملکت هستم و روز شنبه یک جلسه مهم برای دفع آفات و ملخ با یک هیئت بزرگ هلندی در تهران دارم و می‌دانید که با اتومبیل تا روز شنبه نمی‌توان به تهران رسید. اگر کسی هست که شتاب سفر تهران را نداشته باشد جای خود را به من بدهد و با هواپیمای بعدی به تهران بیاید. تمام این هفته را مهمان من خواهد بود.» استاد باستانی از جای خود بلند می‌شود و می‌گوید «بفرمایید مخرج هم لازم نیست حالا می‌مانم و هفته بعد به تهران می‌آیم.»

زمانی که استاد باستانی به منزل خواهرش بازمی‌گردد از رادیو خبر سقوط هواپیمای شیراز به تهران را می‌شنود. او در کتابش می‌نویسد: «همه آن مسافران از بین رفتند و آن مهندس عالی‌مقام که به اصرار مسافر آن هواپیما شد و در وزارت کشاورزی مقامی بزرگ داشت، اسمش کریم ساعی بود.»

تاریخ ایران از او به‌عنوان مردی که عاشق مملکت، ملت و درختانش بود همواره به نیکی یاد خواهد کرد.

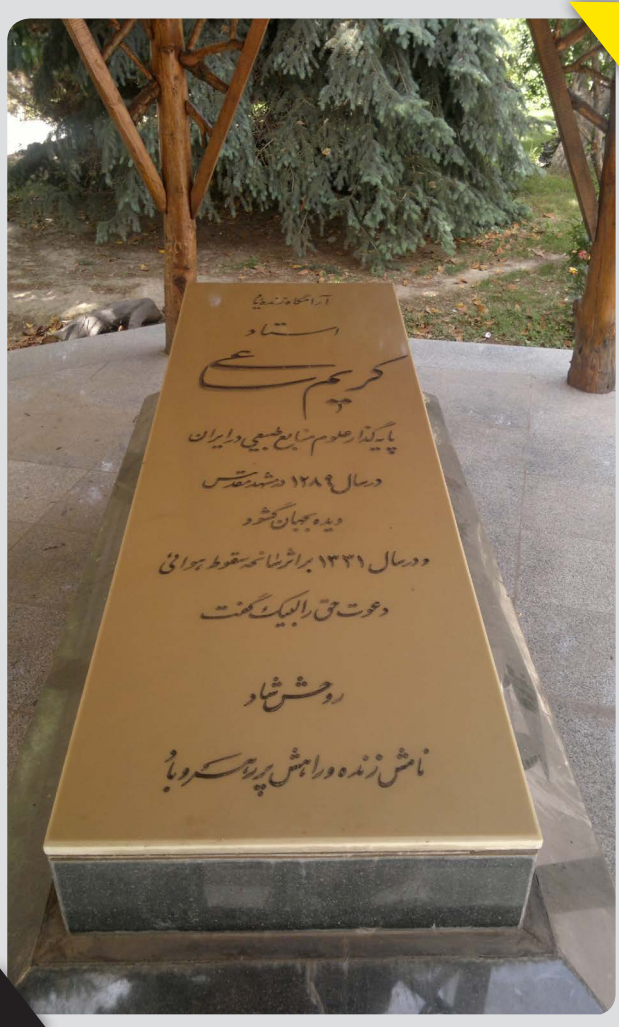
استاد ساعی در سال ۱۳۲۰ شمسی با خانمی از اهالی شیراز به‌نام نوش‌آذر مبین ازدواج کرد و ثمره این ازدواج دو دختر و دو پسر بود. دختر کوچک او به‌نام نگین و پسرش به‌نام آبتین در قید حیات هستند و اکنون در لندن زندگی می‌کنند.

استاد کریم ساعی، آن چهره دوست‌داشتنی با هرچه درخت و جنگل بود رابطه‌ای ناگسستنی داشت. اگر بگوییم به درختان سرسبز عشق می‌ورزید و آنها را برای نسل‌های آینده می‌خواست سخنی به‌گزارف نگفته‌ایم. او در فکر و عمل توسعه پایدار را به ما آموخت و راه‌کارهای روشنی برای مدیریت جنگل‌ها به ارث گذاشت. کتاب‌ها، یادداشت‌ها، گزارش‌ها و نظرات او همه و همه قدرت دانش او را بیان می‌کنند. در ورای همه این‌ها، ساعی انسان بزرگی بود که در خاطره‌ها خواهد ماند. او دانشجویمان، مهندسان و رهروانی را در سایه دانش و تفکر خود پرورش داد که امروز در سراسر دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی و سازمان‌های ذی‌ربط مشغول فعالیت هستند. تأثیر افکار و اندیشه‌های وی چنان در بدنه خدمتگزاران منابع طبیعی رخنه کرده که حاضرند برای حفاظت از منابع طبیعی کشور جان خود را هم نثار کنند. همان‌طوری‌که در طول بیش از هشتاد سال گذشته جان تعداد زیادی از رهروان این مرد بزرگ تقدیم ملت ایران شده است. او همواره این سخن بتهوون را بر زبان می‌آورد که برای من درخت همانند یک انسان ارزش دارد.

بدون تردید نام بلندآوازه این استاد مدیر و محقق به‌دلیل علم و جهاد و خدمت برجسته علمی، فرهنگی و سازندگی بر تارک تابناک تاریخ علوم منابع طبیعی ایران خواهد درخشید. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

منابع

- مهدوی اردبیلی، م.، ۱۳۷۲. تاریخچه دانشکده کشاورزی، انتشارات دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.
- جوانشیر، ک.، ۱۳۷۸. تاریخ علوم منابع طبیعی ایران، انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- حجازی، ر. و معیری‌نژاد، ج.، ۱۳۴۴. راهنمای آموزش دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، چاپ افست، دانشکده کشاورزی.
- سالنامه بنگاه‌های علمی فلاحی کرج، سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۱۶، چاپخانه مجلس.
- مذاکرات و مصاحبه‌های حضوری با استادان و کارشناسان قدیمی دانشکده منابع طبیعی و دانشکده کشاورزی.
- یادنامه بزرگداشت هفتادمین سال تأسیس دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، انتشارات دانشگاه تهران.
- خاطرات و دست‌نوشته‌های منتشرنشده استاد محمد طباطبایی و مصاحبه‌های حضوری در زمان حیات با ایشان.
- یادداشت‌های برگزاری مراسم شصتمین سال بزرگداشت استاد ساعی در دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران.
- امید، ح.، ساسانی، ی.، ۱۳۸۹. پردیس کشاورزی و منابع طبیعی از آغاز تاکنون، انتشارات پردیس کشاورزی و منابع طبیعی.
- میرزاده، ح.، ۱۳۹۶. دانستی‌های ایران، عشق درخت کریم ساعی، طراح پارک ساعی و پایه‌گذار جنگل‌داری علمی در ایران.



مزار استاد ساعی در روبه‌روی گروه جنگل‌داری و اقتصاد جنگل دانشکده منابع طبیعی در کرج